**( ع ) مسأله جبر و اختيار**

**سؤال**

انسان آيا در جميع اعمال خويش فاعل مختار است يا مجبور بی اختيار ؟

**جواب**

اين مسأله از امّهات مسائل الهيّه است و بسيار غامض است ان شاء اللّه روزی ديگر از بدايت مباشرت ناهار به بيان اين مسأله مفصّل پردازيم . حال مختصر چند کلمه بيان ميگردد و آن اينست که اموری که در تحت اختيار انسان است مثل عدل و انصاف و ظلم و اعتساف ، مختصراً اعمال خيريّه و افعال شرّيه ، اين واضح و مشهود است که اراده انسان در اين اعمال مدخلی عظيم دارد و امّا اموريست که انسان بر آن مجبول و مجبور است مثل خواب و ممات و عروض امراض و انحطاط قوی و ضرر و زيان اين امور در تحت اراده انسان نيست و مسؤول از آن نه زيرا مجبور بر آنست . امّا در اعمال خيريّه و افعال شرّيّه مخيّر است و باختيار خويش ارتکاب آن نمايد . مثلاً اگر خواهد بذکر خدا مشغول گردد و اگر خواهد بياد غير مألوف شود ممکن است که از نار محبّة اللّه شمعی برافروزد و ميسّر است که محبّ عالم گردد و يا مبغض بنی آدم شود و يا بحبّ دنيا پردازد و يا عادل شود و يا ظالم گردد اين اعمال و افعال در تحت تصرّف خود انسانست لهذا مسؤول از آن . امّا مسأله ديگر در ميانست و آن اينکه بشر عجز صرف است و فقر بحت توانائی و قدرت مخصوص حضرت پروردگار است و علوّ و دنوّ بسته بمشيّت و اراده جناب کبريا چنانکه در انجيل مذکور که خداوند مانند کوزه گر قدحی عزيز بسازد و ظرفی ذليل صنعت نمايد حال ابريق ذليل حقّ ندارد که اعتراض بر کوزه گر نمايد که ، چرا مرا جام عزيز نساختی که از دست بدست ميگردد ؟ مقصود از اين عبارت اين است که مقامات نفوس مختلف است آنکه در مقام ادنی از وجود مانند جماد حقّ ندارد که اعتراض نمايد خداوندا مرا چرا کمالات نباتی ندادی و همچنين نباترا حقّ اعتراض نه که چرا مرا از کمالات عالم حيوان محروم ساختی و همچنين حيوان را سزاوار نه که از فقدان کمالات انسانی شکايت نمايد بلکه جميع اين اشياء در رتبه خود کاملند و بايد تحرّی کمالات در رتبه خويش نمايند ما دون را چنانچه گذشت حقّ و صلاحيت مقام و کمالات ما فوق نه بلکه بايد در رتبه خويش ترقّی نمايد . و همچنين سکون و حرکت انسان موقوف بتأييد حضرت يزدان است اگر مدد نرسد نه بر خير مقتدر نه بر شرّ توانا بلکه چون مدد وجود از ربّ جود رسد توانائی بر خير و شرّ هر دو دارد امّا اگر مدد منقطع گردد بکلّی عاجز ماند اينست که در کتب مقدّسه ذکر تأييد و توفيق الهيست . مَثَلِ اين مقام مثل کشتی است کشتی را محرّک قوّه باد و قوّه بخار است و اگر اين قوّت منقطع ابداً حرکت نتواند با وجود اين سکّان کشتی بهر طرف متمايل قوّه بخار کشتی را بآن سمت راند اگر متمايل بشرق بشرق رود و اگر متمايل بغرب بغرب رود اين حرکت از کشتی نه بلکه از باد و بخار است . و همچنين جميع حرکات و سکنات انسان مستمدّاز مدد رحمان و لکن اختيار خير و شرّ راجع بانسان . و همچنين پادشاه شخصی را حاکم اين شهر نمود و قوّه تصرّف بخشيد و طريق عدل و ظلم بموجب قانون بنمود . حال اين حاکم اگر ظلم نمايد هر چند بقوّت و نفوذ پادشاه مينمايد ولی پادشاه از ظلم بيزار است و اگر عدل نمايد نيز بنفوذ پادشاه نمايد و پادشاه از عدل راضی و خورسند است . مقصود اينست که اختيار خير و شرّ راجع بانسان و در هر صورت موقوف بمدد وجودی از پروردگار سلطنت الهی عظيم است و کلّ در يد قدرت اسير بنده باراده خود توانائی بر امری ندارد پروردگار مقتدر و تواناست و مدد بخش جميع کائنات اين مسأله توضيح شد و مشروح گشت و السّلام .